

روایت های شهرآرا از حال و هوای همسایگان امام رثوف(ع) در آستانه عید بزرگ غدیرخ

شور شهر در جشن ولایت

فرزانه شهامت



کافوقی زهر

پای عشق که وسط می آید، همه رنگ هابی رنگ می شود، همه من گفتن ها، ظاهر سازی هاو خود نشان دادن ها. تب وتاب عاشق برای باورآندن محبتش به یک نفر است. نه فرد دومی را می بیند و نه توجه کسی جز او را می خواهد. همه این حس های کم تکرار به نهایت می رسد و قننی طرف حساب، وجودی آسمانی مانندامیرالمومنین^(ع) و اظهار ارادت به ایشان باشد. آنچه در ادامه می خوانید برش هایی کوتاه از حال خردینی و عشق ناب همسایگان امام رثوف^(ع) است که این بار خود را در تکاپوی عید بزرگ غدیر و در گوشه و کنار شهر نشان داده است.

میزبانی از هزاران دل داده



«توزیع ۱۲ هزار بستنی کار سختی به نظر می رسد، از تأمین هزینه های چندده میلیونی اش تا شکل توزیع آن در این هوای گرم، سخت است اما جای نگرانی نیست، تجربه ای است آزموده شده و حساب پس داده، عده ای که جمعیتشان را نمی شود شماره کرد، دست اندر کار برگزاری جشن بزرگ عید غدیر در مسجد جامع شهر ک شهید رجایی هستند، حجت الاسلام محمد محبت شریفی، امام جماعت مسجد، می گوید بساط شور و شادمانی ای که ترتیب داده اند به توزیع بستنی خلاصه نمی شود و کام مجبان امیرالمومنین^(ع) در شب روزهای پیش رو به شیوه های دیگری نیز شیرین می شود؛ مثلاً پذیرایی با کیک و شربت، تماشای نورافشانی و میزبانی از چند هزار موتورسوار هیئت مجبان الرضا^(ع). آن طور که برنامه ریزی شده، بناست این موتورسواران در روز عید با پرچم های رنگارنگ روز متفاوتی را در خیابان های شهر و پیش چشم های نظاره گر شهروندان خلق کنند. از حجت الاسلام شریفی در باره هزینه های این مراسم می پرسیم، با این پیش فرض که لابد پای خیران دانه درشت در میان است. پاسخ او روی تصورآتمان این طور خط می کشد: نه فقط با هیچ اداره ای ارتباط نداریم و مکاتبه نکرده ایم بلکه خبری از خیران بزرگ هم نیست، وقتی مردم باخبر می شوند از چنین برنامه هایی، خودشان پای کار می آیند، با کمک های خردی که برکت دارد، از ۱۰۰ هزار تومان گرفته تا حداکثر ۲ میلیون تومان. تجربه می گوید کمک گرفتن از ادارات، به بالا و پایین شدن هاو گردن کج کردن هایش نمی ارزد، روزن در به مردم بهتر جواب می دهد.

برای او و همه آن هایی که به عشق حضرت علی^(ع) در تکاپوی جشن غدیر هستند و شب و روزهای شلوغی را سپری می کنند آرزوهای خوب می کنیم، اینکه چهارمین سال برپایی این جشن با چنین وسعتی، بهتر از سال های پیش باشد و این دودین ها و هزینه کردن ها مقبول صاحب این روز بیفتد.

بازسازی ۱۲ خانه روستایی



«راه اندازی گروه جهادی نیاز به تعهد و عشقی عجیب دارد، به طوری که بتوان همه روزهای عمر، شغل و زندگی مشترک را به پیش گذاشت. یک جور پایبندی سخت دارد، به پای آن ها که شاید این باور نکنند این همه خدمت در قبال دریافت، هیچ، است. حسن بخشی، همسرش دکتر کربمی و تیم همه فن حریف شان سال هاست

با ارادت خالصانه ای پای کار قرارگاه شهید علیمردانی اند.

«برترین گروه جهادگر استان»، «جزوینچ گروه برپرتشور»، عناوین مهم قرارگاه سازندگی، پزشکی، فرهنگی و خیریه این شهید است. ۱۲ سال هم از شروع کارشان گذشته است. از سال ۸۹ که عده ای دانشجوی رشته فنی، قرارگاه جهادی را راه اندازی کردند. با آن نیت و تخصصشان از مناطق محروم روستاهای استان شروع کردند به ساخت و بازسازی. سال ۹۶ که راهشان به مشهد رسید و رفتند سراغ فتنه ساز شهید خودشان. ازدواجشان هم ثمره خیر شد. یکی شان پزشک بود و به تدریج تیم، ۱۵ نفره حوزه درمان را به گروه اضافه کرد. به علاوه رسم مهریه، هیچکدام مهریه ندارند جز هدف هایی که در قالب کار خیر معرفی می شوند.

از گفته های بخشی، مسئول قرارگاه جهادی شهید علیمردانی، برمی آید که علاوه بر کارهای گروه خودشان در امور دیگر هم دست دارند: در مشهد گروه های خیریه زیادی را پشتیبانی مالی می کنیم، پشت گرمی ما به خیران ثابتی است که با تمام وجود همراه اند.

و مهم ترین برنامه این روزهایشان که به یمن عید غدیر کلید می خورد انجام پروژه های عمرانی ۲۵ خانه در ۶ روستای کارده است که پیش از این شناسایی شده اند. دوازده خانه را بناست تا ابتدای ماه محرم تمام کنند. او ادامه می دهد: پیش بینی شده است هر منزل را با مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بازسازی کنیم، یعنی با یک میلیارد، ۲۰۰ میلیون تومان. بقیه هم به تناوب تکمیل و به خانواده های نیازمند تحویل داده می شوند.

آقای مهندس متولد اوایل دهه ۷۰ اگرچه به شکل سوری شغلی دارد اما حقیقت این است که تمام ایام سال را مشغول خدمت به محرومان است. او تأکید می کند: باوجود اینکه برای برنامه های مختلف گروه های جهادی متفاوت می فرستیم و برای اجرای همه خودم حضور ندارم واقعا همه روزهای سال به هماهنگی، شناسایی فرد نیازمند، جمع آوری کمک خیران و مسائلی از این دست می گذرد. همسر هم اگر چه می توانست به آسانی به کار درمانی خودش بپردازد، نیروی ثابت خدمات جهادی پزشکی برای نیازمندان است.

حجم وسیع کارشان سبب شهرتشان شده است و الا کار کردن در یک منطقه محروم از ساخت وساز و رنگ آمیزی دیوارهای خانه و مدرسه گرفته تا کارهای دندان پزشکی و رساندن دارو زحمت فراوان دارد.



عکس: رامین صفاری

هر سال، گسترده تر از پارسال



«به جای بوق آزاد، آهنگ پیشواز با طنین صدای سردار دل ها می شود مقدمه گفت وگویی کوتاه ما، ماملت شهدادتیم، ما ملت امام حسینیم...» کسی که آن سوی خط است، با انرژی حال واحوال می کند. صادق خدیوی، کارمند مجموعه ای فرهنگی است که چندسالی می شود برای بزرگداشت این عید در حد توانش تلاش می کند. «سال های پیش به صورت شخصی چهل پنجاه هدیه تهیه می کردم اما امسال...» اما امسال هفت نفر از همکارانش را هم پای کار آورده و همین باهم بودن، به تلاش هایشان برکتی مضاعف داده است، خدا را شکر کمک های خوبی جمع کردیم و توانستیم هزار هدیه تهیه کنیم، به هیچ جایی وصل نیستیم و خود ما هزینه اش را فراهم کرده ایم، هدیه هایی که تدارک دیده ایم وسایل بازی است، جاسوییچی، برجسب، بادکنک و این طور چیزها.»

ناگفته پیداست هدیه هایی که اسم می برد مخاطب خاص دارد و از میان رده های سنی مختلف، شاد کردن دل پاک کودکان را نشانه رفته است. دلپیش را که می پرسیم می گوید: غدیر باید به عنوان یک روز شاد و یک عید واقعی در ذهن بچه ها ماندگار و تثبیت شود، ضمن اینکه اگر بچه ای خانواده را شاد کنی، پدر و مادر و بقیه خانواده را هم شاد کرده ای.

توزیع کادوهای غدیری که آقای خدیوی و دوستانش تهیه کرده اند، شروع شده است. بخشی را در منطقه ۱ شهرداری و در محدوده محل کارش با بچه ها می دهند و بخش دیگر را صبح روز عید به حاشیه شهر می برند، البته با یک جاشنی ویژه، «با رفقا قرار گذاشتیم که صبح دوشنبه در ور هم جمع شویم و یک دیگ ما کارونی خوشمزه بپزیم، بسته بندی کنیم و به حاشیه شهر ببریم و هر جا بچه ای دیدیم یک پرس غذا تقدیمش کنیم، به اضافه هدایایی که اسم بردم.»

مشغله و درگیری های ذهنی یک ماهه او و همکارانش عصر روز دوشنبه به پایانی می رسد، با یک آرزوی ساده سادگلمه ای: کاش خدا قبول کند.

ه هزار غذای نذری در سفره محسنین



«شاید توان خریدن یک کیلو گوشت برای خانواده ای نیازمند ارادته باشد ما بشیم اما می توانیم خورشتی بپزیم که دو پیست یا سیصد گرم گوشت داشته باشد و میان افراد بی بضاعت بیشتری توزیع کنیم که همه یک وعده غذای گرم بخورند.» محمدجواد موحیدیان فر این جمله را می گوید تا بدانیم چرا از پخت غذای نذری

شروع کرده اند و در همه ایام سال ادامه اش داده اند: احساس کردیم یک وعده غذای گرم در مناطق محروم بیش از هر چیزی مورد نیاز است.

هرچند کارهای خیر دیگری از جمله تهیه خوار و بار برای بیماران سرطانی، پرداخت اجاره خانه یا بازسازی خانه های نیازمندان منطقه را تحت پوشش دارند اما پایه و اساس، پخت غذا و توزیع آن میان محسنین است. پخت غذا را از سال ۹۸ با کمک خیران آغاز کرده اند، آن ها که در هیئت فعالیت می کنند. هیئت مجبان مهدی حضرت زهرا^(ع) از سال ۸۱ در منطقه پنجتن ۴۸ ای محله شهید قربانی، کار خود را با همت چند جوان و نوجوان آغاز کرد. موحیدیان فر مسئول آن هاست و بیش از یک دهه با آنان همراه بوده است. مسئول هیئت در باره شروع کار بزرگ خداپسندان شان این گونه توضیح می دهد: بچه های هیئت می خواستند با ۴ یا ۵ هزار پرس شروع کنند اما بنا را گذاشتیم بر ۱۰ هزار پرس. سال اول ۵ هزار پرس را پختیم و توزیع کردیم اما بعد به لطف خیران به عدم ۱۰ هزار رسید. سال ۹۸ تهیه هر پرس غذا ۷۲ هزار تومان تخمین زدیم تا ماه مبارک امسال که با قیمت ۲۲ هزار تومان تهیه و پخته شد. ماه رمضان امسال چهارمین سال پخت و توزیع غذای نذری بود و البته سه شب احیا، دهه ولایت و ۱۰ روز ابتدای ماه محرم، با توزیع روزی ۱۲۰۰ پرس غذای نذری.

محسنین را شناسایی می کنند، با معرفی بسیج، سپاه و شهرداری، موحیدیان فر در ادامه می گوید: همه منطقه ۴ شهرداری تحت پوشش خودمان، از خیریه ها گرفته تا دیوار روستای زین الدین برزش آباد محسنین خود را معرفی کرده اند و به همگی سهمیه تحویل غذا داده ایم. مسئول هیئت مجبان مهدی حضرت زهرا^(ع) از پخت غذا تا هزار و ۵۰۰ پرس در خانه خودش خبر می دهد و محل پخت غذای گرم این روزها را مکان دیگری معرفی می کند: محل پخت آشپزخانه حسینه بیت الجواد^(ع) است. بچه های پایگاه شهید کاوه هم در این کار خیر با ما شریک هستند. بنا را گذاشته اند بر تعداد مشخصی از خانواده ها و به هر کدام سه پرس غذا تحویل می دهند. موحیدیان فر در این باره یادآور می شود: ترجیح ما این است که خانواده های بیشتری غذای گرم بخورند، برای همین روی ۴ هزار خانواده متمرکز شده ایم با هر تعداد جمعیت. مراسم نذری بزان و توزیع آن را با حرکت ۲۰۰ تا ۲۵۰ خودرو و موتورسوار در روز عید خاتمه می دهند، از سادات منطقه هم دیدار می کنند، مجموعه ای از برنامه های جشن و عیدانه.

یادداشت

غدیری متفاوت در حاشیه شهر بر پاست



نوید سروازاد مدیر گروه مردمی رویش

کاش «شهریار، این بیت «بروای گدای مسکین در خانه علی زن/ که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را، را طور دیگری بیان می کرد. در بیانی حضرت آیت ا... جواد ی آملی نقل می کردند که کاش شهریار می گفت: «بروای گدای مسکین تودر سرای مولا// که علی همیشه می زد در خانه گدا را، ای کاش آنچه در واقع بزرگ غدیر اتفاق افتاد کاش بیعت نمی شد. کاش بیعت ها شکسته نمی شد و هزاران کاش دیگر.

مولایمان امیرالمؤمنین علی^(ع) مظهر عجایب بود، فاتح خیبر و مبارزی که در برابر دشمنان بدیل نداشت و تاریخ توانست او را تحریف کند.

مولایم علی^(ع) هنگامی که در نماز انگشتی را به سائل داد یا هنگامی که افطار سه شب خود و خانواده اش را به فقیر، مسکین و اسیر داد خدای منان آیه نازل کرد که بعد از علی^(ع) ماسیعیان و مجبان او بنوانیم این راه را ادامه دهیم.

آری شاید ما توانیم مثل علی^(ع) زندگی کنیم اما می توانیم مانند او به کمک نیازمندان جامعه برویم، وصی رسول... شب ها در کوچه پس کوچه های شهر به دنبال خدای گشت و دست نوازشش بر سر یتیمان بود.

فردا عید بزرگ غدیر است و مجبان حضرت امیر^(ع) در کوچه پس کوچه های حاشیه شهر به رسم مولایشان در تدارک برگزاری عید اعظم مسلمانان هستند. غدیری که ا طعام در آن معادل اطعام به همه پیامبران و صدیقان است.

این روزها بچه های بسیجی و انقلابی مشهد الرضا^(ع) در این شرایط سخت اقتصادی که دامنگیر همه جهان شده است نگذاشتند علم این کار بر زمین بماند. آن ها وقت، مال و... وقف می کنند تا این عید بزرگ الهی به نحو احسن و به بهترین شکل ممکن برگزار شود.

امسال که با دوستان خود بنا داشتیم برای عید بزرگ غدیر برنامه اطعام داشته باشیم تصورم این بود که شاید با اوضاع اقتصادی جامعه مردم پای کار نیایند و برنامه به خوبی پیش نرود. اما بعد از تبلیغ در کمترین زمان ممکن مردم پای کار آمدند و کاری کردند کارستان. کمک های مردمی بیش از سال های قبل جمع آوری شد و خدا را شکر امسال مراسم باشکوه تر از سال های قبل برگزار خواهد شد و در جای جای شهر امام مهربانی ها به عشق مولایمان جشن می گیریم و اطعام می کنیم. حال و هوای مناطق کم برخوردار مشهد این روزها خاص است. به عنوان فردی که هفت سال توفیق خدمت در این مناطق را دارم باید بگویم اصل شهر همین جاست، متن شهر در حاشیه شهر است. مردم حاشیه شهر پای کار ارزش های انقلابشان استوار ایستاده اند. مساجد این مناطق با مردمان خون گرمش بیگانه نیست. با اعتقاداتی که دارند هر مناسبتی را با بهترین شکل برگزار می کنند و آیین های دین را زنده نگه داشته اند.

کوچه های حاشیه شهر که بر اثر بی عدالتی در توزیع امکانات درگیر بسیاری از مشکلات زیستی و رفاهی اند برای عید بزرگ غدیر هر کدام نخودی در آث می اندازند. هر کس هر کاری از دستش برمی آید انجام می دهد. یکی آذین بندی و دیگری ایستگاه صلواتی برپای می کند و...

نام شهیدان مدافع حرم بر خانه این مردم مهر شیهه بودن رده افت است. آن ها جان دادند تا نام و پرچم اسلام به دست داعشیان نیفتد و اکنون شهدادین اذان از گلابانگ مساجد تا ظهور مولایمان طنین انداز باشند.

اما وظیفه مهم این روزها پاسداشت از مردمان این سرزمین است. مردمی مومن، پاک و اما محروم از خیلی چیزها.

امروز وظیفه ماست که چون مولایمان علی در کوچه پس کوچه های این شهر به دنبال حل مشکلات این مردم باشیم.

نمی گویم مشکلات نیست، کاستی نیست و سوءمدیریت نیست اما سالیانیده است اما تلاش و مواسات مردم زیبایی هایی را به یادگار گذاشته است و باز هم پای کار این مردم برای حل مشکلات هستیم.

عید غدیر در حاشیه شهر (شما بخوانید متن شهر) باشکوه تر از گذشته است.

نوگری میکنیم، زیرا در کوچه پس کوچه های این منطقه ما به دنبال خدای گدایم. خدایی که در دل های شکسته است. دست مولا امروز دست تک تک شیعیانی است که بر سر یتیمان و محرومان زمانه کشیده می شود.

علی جان، مولای من، فرمانده ما، سربازان پست مهدی لباس رزم بر تن دارند، چه دفاع از حرم باشد، چه جنگ با فقر بر عهد مولایمان هستیم.

